

رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری با تغییر حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

دکتر بهمن بنی مهد* سید سلمان فلاح میر عباسی**

تاریخ دریافت: 1389/05/18 تاریخ پذیرش: 1389/06/15

چکیده

این تحقیق رابطه بین شاخص محافظه‌کاری حسابداری و تغییر حسابرس طی یک دوره زمانی 7 ساله از سال 1380 تا 1386 را مورد بررسی قرار می‌دهد. با استفاده از داده‌های ترکیبی از 56 شرکت مشخص گردید که شاخص محافظه‌کاری حسابداری با تغییر حسابرس رابطه معنی‌دار ندارد همچنین با افزودن متغیرهایی مانند شاخص Z آلتمن، شاخص مدیریت سود و اندازه شرکت مشخص شد که متغیرهای مذکور نیز هیچ رابطه معنی‌داری با تغییر حسابرس در ایران ندارند و در واقع عوامل تأثیرگذار بر تغییر حسابرس در ایران بیشتر عوامل غیر کمی و غیر حسابداری هستند. برای آزمون فرضیه‌ها نیز از دو روش آماری مختلف یعنی رگرسیون لجستیک و آزمون برابری میانگین استفاده شده است هر دو آزمون نتایج یکسانی از آزمون فرضیه‌ها را نشان می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: محافظه‌کاری حسابداری، تغییر حسابرس، مدیریت سود، شاخص Z آلتمن.

1- مقدمه

تغییر حسابرس، پدیده‌ای است که بعد از تشکیل جامعه حسابداران رسمی در کشور رواج یافته است. مدیران واحدهای تجاری همواره تلاش می‌کنند تا عملکرد خود را مثبت جلوه دهند، از اینرو برای اظهارنظر حسابرسان نسبت به صورت‌های مالی واحد تجاری تحت کنترل خود، اهمیت زیادی قایل می‌شوند. اما مشکل از آن جایی آغاز

می‌شود که مدیران از یک سری رویه‌ها استفاده می‌کنند که لزوماً با اصول و استانداردهای حسابداری مطابقت ندارد و به اجبار از حسابرسان مستقل می‌خواهند که در مورد این رویه‌ها اظهارنظر مطلوب ارائه نمایند؛ که این امر موجب خدشه دار نمودن استقلال حسابرسان خواهد شد. بررسی دعاوی حقوقی مربوط به تقلب‌های مدیریت در آمریکا نشان می‌دهد که اکثر شرکت‌های درگیر در این دعاوی، قبل از آن، حسابرسان خود را تغییر دادند و بودند و تغییر حسابرس نیز بیشتر بخاطر اختلاف نظر در مورد کاربرد اصول پذیرفته شده حسابداری بوده است. طبق استانداردهای حسابرسی ایران نیز زمانی که شرکتی از حسابرسان می‌خواهد در مورد صورت‌های مالی گزارش دهند، در صورت تغییر حسابرس، حسابرس جدید قبل

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، نویسنده اصلی و مسئول مکاتبات.
** کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

از ارائه گزارش بایستی با حسابرس قبلی شرکت مشورت نموده و در مورد درک محتوا و شکل معاملات اطمینان حاصل نمایند. البته چنانچه حسابرس وظیفه خود را به درستی انجام ندهد و یا اینکه حق الزحمه نامتناسب مطالبه کند، بدیهی است که موضوع تغییرحسابرس، امری منطقی خواهد بود. درکشور برای جلوگیری از وابستگی حسابرسان به مدیران و کارکنان شرکت طبق مصوبه آیین رفتار حرفه ای ضروری است که هیچ کارحسابرسی بیش از سه سال توسط یک مسئول کار و بیش از پنج سال با مسئولیت یک شریک انجام نشود. همان گونه که مشخص است این الزامات در داخل یک موسسه حسابرسی وجود دارد و در نتیجه برای حفظ استقلال و بی طرفی نیازی به تغییر ادواری حسابرسان نمی باشد.

هدف این تحقیق آن است که اثر محافظه کاری حسابداری بر تغییر حسابرس، طی یک دوره هفت ساله بررسی و مبانی نظری موضوع تغییر حسابرس در ایران بسط داده شود. اهمیت پژوهش این است که به گونه تجربی به تحلیل گران مالی، سرمایه گذاران، مدیران و سایر استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری نشان دهد که تا چه اندازه میان تغییر حسابرس و محافظه کاری حسابداری رابطه وجود دارد؟ پیشنهاد تحقیق، روش تحقیق و یافته های آن در ادامه مقاله ارائه می شود.

2- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

تعریف محافظه کاری

باسو (1997) محافظه کاری را الزام به داشتن درجه بالایی از اثبات و تائید برای شناخت اخبار خوب مانند سود در مقابل شناخت اخبار بد مانند زیان تعریف می نماید. این تعریف، محافظه کاری را از دیدگاه سود و زیان توصیف می نماید (باسو¹، 1997) اما تعریف دیگر، تعریف محافظه کاری از دیدگاه ترازنامه است بر اساس این دیدگاه، در مواردی که تردیدی واقعی در انتخاب بین دو یا چند روش گزارشگری وجود دارد، روشی باید انتخاب شود که کمترین اثر مطلوب بر حقوق صاحبان سهام را داشته باشد (فلتمن و اوهلسون²، 1995). تعریف سوم درباره محافظه کاری بر پایه دیدگاه ترکیبی ترازنامه و سود و زیان است. در دیدگاه سوم، محافظه کاری، یک مفهوم حسابداری است که منجر به کاهش سود انباشته گزارش شده از طریق شناخت دیرتر درآمد و شناخت سریع تر هزینه، ارزیابی پائین دارایی و ارزیابی بالایی بدهی می شود (گیوولی و هین³، 2000). در این تحقیق از تعریف سوم برای محاسبه شاخص محافظه کاری استفاده شده است دسته بندی دیگری برای تعریف محافظه کاری از سوی رایان (2006) ارائه شده است که عبارت است از محافظه کاری شرطی⁴ و محافظه کاری غیر شرطی⁵. محافظه کاری شرطی، محافظه کاری است که توسط استانداردهای حسابداری الزام شده است. یعنی شناخت به موقع زیان در صورت

1. Basu
2. Feltham & Ohlson
3. Givoly & Hyan
4. Conditional Conservatism
5. Unconditional Conservatism

وجود اخبار بد و نامطلوب و عدم شناخت سود در مواقع وجود اخبار خوب و مطلوب. مثلاً کاربرد قاعده اقل بهای تمام شده یا خالص ارزش فروش در ارزیابی موجودی کالا، نوعی محافظه کاری شرطی است. به این نوع محافظه کاری، محافظه کاری سود و زیان و یا محافظه کاری گذشته نگر نیز می‌گویند. اما محافظه کاری غیر شرطی از طریق استانداردهای پذیرفته شده حسابداری، الزام نگردیده است. این نوع محافظه کاری، کمتر از واقع نشان دادن ارزش دفتری خالص دارایی‌ها بواسطه رویه‌های از پیش تعیین شده حسابداری است. محافظه کاری مذکور، به محافظه کاری ترانزنامه و یا محافظه کاری آینده نگر نیز معروف است (ری‌یان⁶، 2006).

حسابرسی و محافظه کاری حسابداری

یکی از نظریه‌های مرتبط با لزوم انجام حسابرسی در یک واحد تجاری، نظریه کارگزاری است. بر اساس این نظریه سهامداران واحد تجاری فردی به نام مدیر را به عنوان نماینده یا کارگزار خود انتخاب و او را در جایگاه مسئول و مأمور ارائه مجموعه‌ای از خدمات مشخص قرار داده و اختیار تصمیم‌گیری نیز به او تفویض می‌شود. در پی این تفویض اختیار، مدیر ممکن است بواسطه قدرتی که به او تفویض شده است به دنبال حداکثر کردن ثروت و منافع شخصی خود بوده و به گونه‌ای بر خلاف منافع سهامداران عمل نماید. بنابراین در اینجا، ضرورت اعمال نظارت بر رفتار مدیر از طریق حسابرسی مطرح می‌شود (امیر اصلانی، 1381).

همچنین تئوری اثباتی حسابداری فرض می‌نماید که مدیر در گزارش عملکرد خود به اشخاص طرف قرارداد با واحد تجاری (از جمله سهامداران)، جانبدارانه عمل نموده بطوری که ممکن است اطلاعات و ارقام حسابداری را به نفع خود دستکاری و بیش از واقع نشان دهد (واتس و زیمرمن⁷، 1990). در این میان محافظه کاری حسابداری می‌تواند با به تأخیر انداختن شناسایی سود و بواسطه الزام قابلیت تائید و اثبات خود در شناسایی سود و دارایی‌ها، رفتار فرصت طلبانه و جانبدارانه مدیر را در بیش‌نمایی سود و دارایی‌ها محدود نماید (واتس، 2003). همچنین اعتقاد بر آن است که محافظه کاری حسابداری می‌تواند حسابرسان را در مقابل دعاوی حقوقی و قضایی علیه آن‌ها، مصون نماید (بال و همکاران⁸، 2000؛ بیور⁹، 1993). در عمل نیز محافظه کاری حسابداری مورد تائید حسابرسان بوده و به عبارتی رویه‌های محافظه کارانه حسابداری نیز بیشتر از سوی آن‌ها حمایت می‌شود (لی¹⁰، 2007). عدم اتفاق نظر میان مدیران و حسابرسان در بکارگیری رویه‌های محافظه کارانه حسابداری، مدیران را به تغییر حسابرس تشویق می‌نماید. به بیانی دیگر، مدیران در راستای دستیابی به اظهار نظر مطلوب خود اقدام به تغییر حسابرس می‌نمایند. نتایج تحقیق کریشنان نشان داد میان محافظه کاری حسابداری و تغییر حسابرس رابطه‌ای

6. Ryan
7. Watts & Zimmerman
8. Ball & et al
9. Beaver
10. Li

مستقیم وجود دارد. او نشان داد شرکت ها، به دلیل ناراضیاتی از تاکید حسابرس بر بکارگیری رویه های محافظه کارانه حسابداری، اقدام به تغییر حسابرس می نمایند (کریش¹¹، 1994).

2-1- نتایج تحقیقات در رابطه با موضوع تغییر حسابرس
تحقیقات مختلفی در ایران و سایر کشورها انجام شده است که اهم این موارد به صورت جدول 1 ارائه می گردد:

جدول 1- پیشینه تحقیق در رابطه با موضوع تغییر حسابرس

ردیف	نام محقق	عنوان تحقیق	سال	نتایج تحقیق
1	فلاح موحد	مطالعه تغییر حسابرس و بازرس قانونی مؤسسات عضو جامعه حسابرسان	1387	وجود اختلاف نظر میان صاحبکار و حسابرس، حق الزحمه حسابرسی، تغییر در مدیریت شرکت، عدم رابطه مناسب میان کارکنان صاحبکار و کارکنان حسابرس باعث تغییر حسابرس و بازرس قانونی می گردد
2	پوری بهبهانی	بررسی رابطه حسابرس- صاحبکار با تاکید بر مدت تصدی حسابرسی و تغییر حسابرس در ایران	1387	افزایش مدت تصدی حسابرس باعث کاهش احتمال تغییر حسابرس می شود. همچنین میان وضعیت مالی صاحبکار و تغییر حسابرس رابطه معنی داری وجود ندارد
3	ایمان زاده	بررسی دلایل تغییر حسابرسان در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران	1385	حق الزحمه حسابرسی، کیفیت کار حسابرس، تغییر مدیران شرکت ها، اندازه شرکت و نرخ بازگشت سرمایه شرکت ها بر تغییر حسابرس از سوی شرکت ها مؤثر است
4	زارعی مزوج	شناسایی عوامل مؤثر بر تغییر حسابرس در ایران	1384	حق الزحمه حسابرسی، کیفیت کار حسابرس، تغییر مدیران شرکت ها، اندازه شرکت، سرمایه، میزان دارایی های شرکت و تعداد واحدهای تابعه شرکت از عوامل مؤثر تغییر حسابرس در ایران می باشد.
5	محرمی	اهمیت ویژگی های مؤسسات حسابرسی در فرآیند انتخاب حسابرس توسط شرکت ها و انگیزه های تغییر حسابرس در میان شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است، ولی میان حق الزحمه حسابرسی و تغییر حسابرس	1378	استفاده از تیم حسابرسی کم تجربه، گردش و جابجایی زیاد پرسنل تیم حسابرسی، تغییرات در مدیریت سطح عالی شرکت و عدم رضایت صاحبکار از کیفیت حسابرسی از دلایل ایجاد انگیزه تغییر حسابرس در میان شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است، ولی میان حق الزحمه حسابرسی و تغییر حسابرس

				ارتباط معنی داری وجود ندارد.
6	لی	محافظة کاری حسابداری و مدت تصدی حسابرس	2007	هرچه مدت تصدی حسابرس در شرکت بیشتر باشد، محافظه کاری حسابداری نیز بیشتر می شود.
7	مگینا	تغییر حسابرس و ورشکستگی	2008	میان شاخص ورشکستگی Z آلتمن و تغییر حسابرس رابطه معنی داری وجود دارد.
8	جن کینز و ولوری	اثر مدت تصدی حسابرس بر گزارش محافظه کارانه سود حسابداری	2006	رابطه ای مستقیم میان افزایش سود محافظه کارانه و عدم تغییر حسابرس وجود دارد.
9	گایگر و راگانان	مدت تصدی حسابرسی و نارسایی گزارش حسابرسی	2002	در سال های اولیه تصدی حسابرسی، نسبت به زمانی که حسابرس برای مدت طولانی به صاحبکار خدمات می دهد نارسایی گزارش های حسابرسی به طور معنی داری بیشتر است. همچنین میان طول مدت همکاری حسابرسان با صاحبکار و احتمال این که شرکت ورشکسته در سال قبل از ورشکستگی گزارش مشروط از بابت تداوم فعالیت دریافت کرده باشد ارتباط مثبت وجود دارد.
10	وو و چای کو	بررسی عوامل مرتبط با تغییر حسابرس در کشور سنگاپور	2001	کیفیت حسابرسی، تغییر مدیریت شرکت، فرصت های دستکاری سود، اهرم مالی، اظهار نظر مشروط حسابرس، تنوع فعالیت های صاحبکار و تعداد زیاد واحدهای تابعه تأثیر مستقیم بر تغییر حسابرس می گذارند. اما میان حق الزحمه حسابرسی، اندازه شرکت، وضعیت مالی، رشد شرکت و فعالیت های تأمین مالی شرکت با تغییر حسابرس ارتباط معنی داری وجود ندارد.
11	کریشنان	تغییر حسابرس و محافظه کاری	1994	محافظه کاری حسابداری رابطه مستقیمی با تغییر حسابرس دارد.
12	شوارتز و منان	تغییر حسابرس توسط شرکت های ورشکسته	1985	شرکت هایی که در ح ال ورشکستگی هستند و با مشکلات مالی دارند تمایل بسیاری برای تغییر حسابرس نسبت به شرکت های سالم تر دارند. ولی ارتباط معنی داری میان اندازه شرکت با تغییرات حسابرسان مشاهده نشد.

(ادامه جدول 1)

* منبع: یافته های پژوهشگر

2-2- تحقیقات انجام شده در مورد محافظه کاری

تحقیقات انجام شده در ایران

بني مهد (1385) بر اساس اطلاعات يك دوره يازده ساله (1373 تا 1383) از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران،

عوامل مؤثر بر محافظه کاری حسابداری را تعیین و مدلی را برای اندازه گیری آن پیشنهاد داد. نتایج تحقیق او نشان داد که محافظه کاری حسابداری و شاخص سودآوری (بازده دارایی ها) در ایران طی دوره تحقیق بطور همزمان کاهش یافته است. اندازه شرکت ها و مالیات بر محافظه کاری حسابداری اثری نداشته و محافظه کاری حسابداری نمی تواند به عنوان یک مکانیزم قراردادی کارآمد برای کاهش تعارض های تقسیم سود بین سهامداران و اعتباردهندگان محسوب گردد (بنی مهد، 1385).

کردستانی و امیر بیگی (1387) رابطه بین عدم تقارن زمانی سود و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام را مورد بررسی قرار دادند. آن ها در این تحقیق دریافته اند که بین عدم تقارن زمانی سود و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام، رابطه ای منفی اما معنی دار وجود دارد و هر چه دوره برآورد معیار عدم تقارن زمانی سود طولانی تر شود، این رابطه نیز منفی تر می شود (کردستانی و امیر بیگی، 1387). در تحقیق دیگر، رضا زاده و آزاد (1387) رابطه بین محافظه کاری حسابداری و عدم تقارن اطلاعاتی را طی دوره 1381 تا 1385 مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آن ها حاکی از وجود رابطه مثبت و معنی دار میان عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه گذاران و محافظه کاری حسابداری است. همچنین طبق نتیجه گیری آن ها، تغییر در عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه گذاران موجب تغییر در سطح محافظه کاری می شود (رضازاده و آزاد، 1387). در دو تحقیق اخیر برای سنجش محافظه کاری حسابداری از مدل باسو (1997) استفاده شده است. مدل مذکور به رابطه 1 می باشد:

(1)

$$NI = b_0 + b_1RD + b_2R + b_3R.RD$$

که در آن:

NI = نسبت بازده به عایدات می باشد که برابر است با عایدات

(E) تقسیم بر قیمت سهام در آغاز دوره مالی

R = بازده سهام در طول سال مالی که از طریق تغییر در قیمت

بازار اندازه گیری می شود.

RD = یک متغیر مجازی است. وقتی که $R < 0$ است مقدار آن برابر

1 خواهد بود. همچنین هنگامی که $R \geq 0$ باشد مقدار آن صفر است.

هرگاه بازده سهام منفی باشد، فرض می شود که آن، اخبار بد

درباره آینده را منعکس می نماید. بنابراین این متغیر مجازی،

زمانی که بازده سهام اخبار بد درباره آینده را پیش بینی نمی

کند، مقدار صفر را به خود می گیرد و در غیر این صورت مقدار آن

یک خواهد بود. به عبارت دیگر وقتی که R نتواند اخبار بد آینده

را پیش بینی کند؛ یعنی در صورت فقدان محافظه کاری مقدار آن صفر خواهد بود.

ضریب b_2 رابطه بین عایدات (سود حاصل از عملیات مستمر) و بازده سهام را نشان می دهد.

b_3 هنگامی که عایدات و نیز بازده سهام عملکرد بد آتی را پیش

بینی می کند، این ضریب شدت رابطه بین عایدات و بازده سهام را

نشان می دهد. این ضریب همان معیار باسو درباره اندازه گیری محافظه کاری سود است. چون سود اساساً عملکرد بد پیش بینی شده در آینده را منعکس می کند. برآورد b_3 در مدل باسو در حدود 0/16 است (باسو، 1997).

تحقیقات مختلف نشان داده اند که مدل باسو دارای ایراداتی به شرح زیر است:

- مدل باسو در مورد شرکت هایی که برای آن ها بازده سهام وجود ندارد، نظیر شرکت های پذیرفته نشده در بورس، کاربردی ندارد (ری یان، 2006).

- محافظه کاری نهفته در ترانزنامه را نشان نمی دهد (ری یان).
- در تحقیق گیولی و همکاران (2007) معیار محاسبه شده برای محافظه کاری براساس مدل باسو با معیار محاسبه شده توسط سایر مدل ها همبستگی منفی و غیرمستقیم دارد. بین نتایج تحقیقات با استفاده از مدل باسو با سایر مدل ها تضاد زیاد وجود دارد (گیولی و همکاران¹²، 2007).

- در برخی تحقیقات نشان داده شده است، در نمونه هایی که محافظه کاری بالاست مدل باسو میزان محافظه کاری را پائین نشان می دهد و برعکس (احمد و همکاران¹³، 2002).

- از بازده سهام برای تفکیک نمونه شرکت ها به دو گروه دارای اخبار خوب و دارای اخبار بد استفاده می شود. بازده منفی شاخصی برای اخبار بد و بازده مثبت، شاخصی برای اخبار خوب است.
براساس فرضیه بازار کارآمد قیمت های سهام بطور کارآ منعکس کننده اطلاعات مربوط درباره یک شرکت است. قیمت های سهام منعکس کننده اطلاعات دریافت شده از سایر منابع نیز هست، یعنی منابعی غیر از سود حسابداری (ری یان، 2006). یکی از تفاوت های این تحقیق با سایر تحقیقات داخلی، عدم استفاده از مدل باسو برای اندازه گیری محافظه کاری حسابداری است.

تحقیقات انجام شده خارج از ایران

باسو (1997) در تخمین شاخص محافظه کاری، رابطه بین عایدات و بازده سهام را از طریق رگرسیون بررسی نمود. او دریافت در شرکت هایی که بازده سهام آن ها منفی است، بازده سهام همبستگی بیشتری با عایدات دارد تا در شرکت هایی که بازده سهام آن ها مثبت است. باسو دریافت در دوره هایی که دعاوی قضایی در آمریکا افزایش یافته، محافظه کاری نیز افزایش یافته است (باسو، 1997).
بال و همکاران (2000) طی تحقیقی به این نتیجه رسیدند که در کشورهای قوانین آنان براساس عرف جامعه تعیین می شود (مانند آمریکا، استرالیا، انگلستان و کانادا)، استفاده از ارقام منتشر شده صورت های مالی در قراردادها باعث شده است که ارقام سود، بسیار محافظه کارانه محاسبه شود تا نسبت به کشورهای قوانین عرفی (مانند فرانسه، آلمان و ژاپن) هستند (بال و همکاران¹⁴، 2000).

12. Givoly et al

13. Ahmed et al

14. Ball et al

احمد و همکاران (2002) نشان دادند که شرکتهای بزرگ، از روش های حسابداری محافظه کارانه بیشتری نسبت به سایر شرکت ها استفاده می کنند. همچنین نتایج تحقیق آن ها نشان داد که اگر تضاد منافع میان وام دهندگان و سهامداران در تقسیم سود وجود داشته باشد در آن صورت مدیران شرکت های وام گیرنده، احتمالاً اشتیاق بیشتری به استفاده از رویه های محافظه کارانه حسابداری دارند (احمد و همکاران، 2002).

لافوند و واتز (2008) دریافتند که میان محافظه کاری حسابداری و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه وجود دارد. تغییر در عدم تقارن اطلاعاتی میان سرمایه گذاران منجر به تغییر در محافظه کاری می شود. این موضوع نظر هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا مبنی بر اینکه محافظه کاری موجب عدم تقارن اطلاعاتی می شود را نقض می نماید (لافوند و واتس¹⁵، 2008).

گیولی و همکاران (2007) اشاره دارند که برای محاسبه شاخص محافظه کاری، همزمان باید از مدل های مختلف استفاده نمود. آن ها در پژوهش خود نشان دادند که نتایج مدل باسو با سایر مدل ها متفاوت است و با توجه به این که محیط گزارشگری از نظر نوع صنعت، کشور و دوره زمانی متفاوت است، باید همزمان از مدل های متفاوت استفاده نمود.

نیکلاف¹⁶ (2008) رابطه بین محافظه کاری حسابداری و محدودیت های قراردادهای بدهی را مورد بررسی قرار داد. او دریافت که هرچه محدودیت های قرارداد بدهی افزایش یابد، محافظه کاری نیز افزایش می یابد.

3- فرضیه های تحقیق

فرضیه های این تحقیق شامل فرضیه های اصلی زیر می باشد:

- 1 میان تغییر حسابرس و شاخص محافظه کاری حسابداری رابطه معنی دار وجود دارد.
- 2 میان تغییر حسابرس و شاخص Z آلتمن رابطه معنی دار وجود دارد.
- 3 میان تغییر حسابرس و شاخص مدیریت سود رابطه معنی دار وجود دارد.
- 4 میان تغییر حسابرس و اندازه شرکت رابطه معنی دار وجود دارد.

4- روش تحقیق

روش این تحقیق از نوع همبستگی می باشد. در روش همبستگی اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته اندازه گیری می شود. از آن جایی که متغیر وابسته (تغییر حسابرس)، یک متغیر مجازی با مقادیر یک و صفر است، بنابراین از روش رگرسیون لجستیک استفاده می شود. در رگرسیون لجستیک، متغیر وابسته مقدار صفر و یک را به خود اختصاص می دهد. در این تحقیق اگر حسابرس تغییر کرده باشد، مقدار متغیر وابسته در آن سال برابر یک و در غیر این صورت،

15. Lafond & Watts

16. Nikolaev

برابر صفر خواهد بود. همچنین نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیون لجستیک از طریق آزمون آماری دیگری به نام آزمون برابری میانگین، مورد مقایسه قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر در این تحقیق برای آزمون فرضیه‌ها از دو روش آماری متفاوت استفاده شده است.

5- متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته در این تحقیق، تغییر حسابرس است که با مقدار یک و صفر نشان داده می‌شود. مقدار یک برای شرکت‌هایی که حسابرس خود را تغییر داده‌اند و صفر برای شرکت‌هایی که حسابرس خود را تغییر نداده‌اند. همچنین متغیرهای مستقل تحقیق شامل شاخص محافظه‌کاری، شاخص مدیریت سود، شاخص Z آلتمن و اندازه شرکت می‌باشد. در زیر چگونگی اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق شرح داده می‌شود:

شاخص محافظه‌کاری حسابداری:

در تحقیق حاضر برای اندازه‌گیری شاخص محافظه‌کاری حسابداری، از مدل گیولی و هین (2000) استفاده شده است. شاخص محافظه‌کاری بر اساس مدل مزبور به رابطه 2 محاسبه می‌شود:

$$(2) \quad \text{شاخص} = \frac{\text{اقلام تعهدی عملیاتی}}{\text{جمع دارایی‌ها در اول دوره}} \times (-1) \quad \text{محافظه‌کاری}$$

اقلام تعهدی عملیاتی از تفاوت سود خالص و جریان نقدی عملیاتی بعلاوه هزینه استهلاک به دست می‌آید. به عقیده گیولی و هین (2000) رشد اقلام تعهدی می‌تواند شاخصی از تغییر در درجه محافظه‌کاری حسابداری در طول یک دوره بلند مدت باشد. به بیانی دیگر اگر اقلام تعهدی نظیر حساب‌های دریافتنی افزایش یابد، در آن صورت محافظه‌کاری کاهش می‌یابد و بر عکس، از این رو برای تعیین جهت تغییرات محافظه‌کاری اقلام تعهدی در عدد منفی یک ضرب می‌شود. برای کنترل عامل تورم بر اقلام تعهدی و تغییرات محافظه‌کاری و همچنین برای همگن کردن اطلاعات در سطح شرکت‌ها با اندازه‌های مختلف، متغیرهای تحقیق بر جمع دارایی‌ها تقسیم شده است.

شاخص مدیریت سود:

جونز در مدلی که در سال 1991 برای بررسی مدیریت سود ارائه کرد، فرض کرد که اقلام تعهدی غیر اختیاری در طول زمان ثابت هستند. این مدل که سعی در تفکیک اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری دارد، سعی شده است که تأثیر شرایط اقتصادی یک واحد تجاری بر اقلام تعهدی غیر اختیاری را کنترل کند. در مدل یاد شده در اولین قدم، ارتباط مجموع اقلام تعهدی برای یک دوره زمانی مشخص که به دوره رویداد معروف است، با متغیرهای درآمد و اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات، به شرح رابطه 3 برآورد می‌شود:

$$(3) \quad \frac{TA_{it}}{A_{it-1}} = \alpha_{it} \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \beta_{1it} \left(\frac{\Delta REV_{it}}{A_{it-1}} \right) + \beta_{2it} \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

TA_{it} = مجموع ارقام تعهدی شرکت i در سال t

A_{it-1} = جمع دارایی ها در پایان سال $t-1$

ΔREV_{it} = تغییرات در درآمد عملیاتی شرکت i در سال t

PPE_{it} = خالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت i در سال t

ε = بیانگر خطای مدل است. در مدل فوق، قدر مطلق خطا به

تفکیک هر صنعت شاخصی برای مدیریت سود می باشد و نشان می دهد چه بخشی از ارقام تعهدی به واسطه مدیریت سود ایجاد شده است و قابلیت تبدیل شدن به وجه نقد را ندارد (جونز¹⁷، 1991).

وجود فرصت های دستکاری سود به معنی وجود شرایط بالقوه اختلاف نظر با حسابرسان و زمینه ساز شروع ذهنیت تغییر حسابرس خواهد بود. تحقیقات گذشته (شواری و منان¹⁸ 1985) وجود ارتباط مستقیم بین این عامل و تغییر حسابرس را تأیید نموده اند.

اندازه شرکت:

پالمرز¹⁹ (1984) نشان داد که هرچه اندازه شرکت بزرگ تر شود تعداد قراردادهای کارگزاری و کارگزاری نیز افزایش می یابد و این امر نظارت مالکیت بر مدیریت و همچنین نظارت اعتباردهندگان بر مالکیت و مدیریت را با دشواری بیشتری مواجه می کند. این امر ضرورت استقلال حسابرس را بیشتر می کند. جانسون و لایز²⁰ (1990) و هاسکینز و ویلیامز (1990) نشان دادند عامل اندازه شرکت بر تغییر حسابرسان اثر قابل ملاحظه ای دارد. از این رو در این تحقیق نیز اندازه شرکت به عنوان یک متغیر مستقل در نظر گرفته شده است.

شاخص Z آلتمن:

شاخصی است برای اندازه گیری ورشکستگی شرکت ها. این شاخص توسط آلتمن²¹ در سال 1968 برای پیش بینی شرکت های ورشکسته ارائه شد. این شاخص عبارتست از جمع نسبت های زیر به شکل رابطه 4:

سرمایه در گردش به جمع دارایی ها (X_1)، سود انباشته به جمع دارایی ها (X_2)، بازده دارایی ها (X_3)، ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری بدهی ها (X_4) و فروش به جمع دارایی ها (X_5).

$$Z = \beta_0 X_1 + \beta_1 X_2 + \beta_2 X_3 + \beta_3 X_4 + \beta_4 X_5 \quad (4)$$

کامل	ورشکستگی	حالت
		$Z < 1/2$
و غیر ورشکستگی	مابین ورشکستگی	حالت
		$1/2 < Z < 2/9$
کامل	سلامت	حالت
		$Z \geq 2/9$

17. Jones

18. Schwartz and Menon

19. Palmrose

20. Johnson and Lys

21. Altman

6- قلمرو تحقیق:

موضوع این تحقیق؛ بررسی رابطه بین محافظه کاری حسابداری و تغییرحسابرس در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده، که در 56 شرکت طی دوره زمانی سال های 1380 تا 1386 (دوره 7 ساله) مورد بررسی و آزمون قرار گرفته است.

7- روش گردآوری و تجزیه و تحلیل داده ها

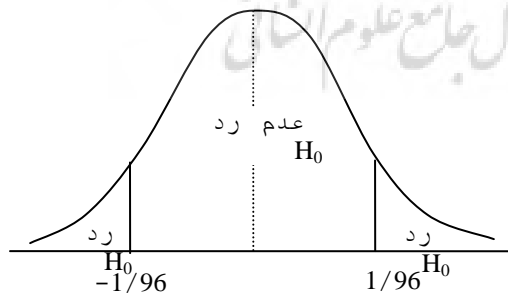
منبع جمع آوری داده های مورد نیاز این تحقیق، صورت های مالی شرکتها بوده است. داده های مورد نیاز این پژوهش از طریق بانک های اطلاعاتی رایانه ای، مراجعه به کتابخانه، بایگانی اداره نظارت و ارزیابی سازمان بورس اوراق بهادار تهران جمع آوری شده است. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار اکسل و پس از اصلاحات و طبقه بندی لازم بر اساس متغیرهای مورد بررسی، وارد رایانه شده است. تجزیه و تحلیل نهایی به کمک نرم افزار SPSS شماره 16 انجام شده است. برای تجزیه و تحلیل داده ها و روابط میان متغیرهای مستقل و وابسته از دو آزمون متفاوت برابری میانگین و رگرسیون لجستیک استفاده می شود.

7-1- آزمون برابری میانگین

برای مقایسه میانگین دو گروه از شرکت ها که میزان اندازه شرکت، شاخص آلتمن، شاخص محافظه کاری و شاخص مدیریت سود در شرکت هایی که تغییر حسابرس داشته و آن هایی که تغییر نداشته اند از این آزمون استفاده شده است. در این آزمون فرض H_0 و H_1 بصورت زیر خواهد بود:

$$\begin{cases} H_0: \mu_1 = \mu_2 \\ H_1: \mu_1 \neq \mu_2 \end{cases} \begin{cases} H_0: \text{میانگین شاخص در شرکت هایی که} \\ \text{تغییر حسابرس داشته اند برابر} \\ \text{با شرکت هایی است که تغییر} \\ \text{حسابرس نداشته اند.} \end{cases}$$

میانگین شاخص در شرکت هایی که ناحیه رد و قبول فرض صفر به صورت نمودار 1 است:



نمودار 1- ناحیه رد و قبول فرضیه صفر

با توجه به جدول شماره 2 مقادیر سطح معنی داری حاکی از آن است که در دو حالت تغییر حسابرس یا عدم تغییر حسابرس تفاوت معناداری بین میانگین چهار شاخص وجود ندارد. زیرا مقادیر آن ها

برای شاخص آلتمن برابر 0/778، اندازه شرکت 0/538، شاخص محافظه کاری 0/863 و شاخص مدیریت سود 0/405 بوده که تمام مقادیر بیشتر از 5 درصد هستند بنابراین فرض H_0 یعنی برابری میانگین دو گروه رد نمی شود.

جدول 2- آزمون نمونه های مستقل

	آزمون Levene برای برابری واریانسها		آزمون t برای برابری میانگین ها			
	F	سطح معنی-داری	t	درجه آزادی	سطح معنی-داری (دو دامنه)	تفاوت میانگین
شاخص آلتمن	0/954	0/329	0/275 0/283	379 213/6	0/783 0/778	0/032635 0/032635
اندازه شرکت	6/221	0/013	0/617	380 267/7	0/568 0/538	0/81772 0/81772
شاخص محافظه کاری	0/009	0/926	-0/173 -0/172	381 206/9	0/362 0/363	-0/001999 -0/001999
شاخص مدیریت سود	0/602	0/438	0/869 0/834	384 196/8	0/385 0/405	0/008477 0/008477

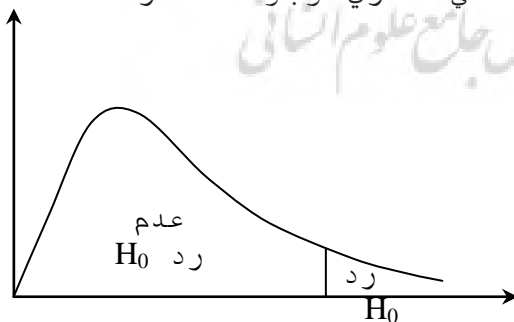
* منبع: یافته های پژوهشگر

7-2- رگرسیون لجستیک

روش برآورد مدل های رگرسیون لجستیک در دو بخش انجام شده است. ابتدا با استفاده از روش اینتر (اجباری) تمام متغیرها در مدل آورده شده اند و در بخش دوم و با استفاده از روش گام به گام تنها متغیرهای معنی دار در مدل لحاظ شده اند. فرض معنی داری مدل به صورت زیر نوشته میشود:

$$\begin{cases} H_0 : \beta_1 = \beta_2 = \beta_3 = \beta_4 \quad i \neq j = 1,2,3,4,\dots \\ H_1 : \beta_i \neq \beta_j \end{cases}$$

مقدار آماره آزمون کای دو²² بر اساس جدول شماره 3 برابر با 2/89 بدست آمده است که همان گونه که در نمودار 2 دیده می شود در ناحیه عدم رد فرض صفر قرار دارد. بنابراین فرض صفر رد نمی شود. به عبارت دیگر، مدل معنی داری وجود ندارد.



نمودار 2 - ناحیه رد و قبول فرضیه صفر

جدول 3- آزمون ضرایب مدل

مرحله اول	کای دو	درجه آزادی	سطح معنی داری
مرحله	2/892	4	0/576
بلاک شده	2/892	4	0/576
مدل	2/892	4	0/576

* منبع: یافته های پژوهشگر

3-7- ضریب تعیین کاکس- اسنل

همانطور که می دانیم هنگام استفاده از روش رگرسیون چند متغیره، ضریب همبستگی (ضریب تعیین) R^2 میزان تغییرات متغیر وابسته بر اثر متغیر مستقل را نشان می دهد در تحقیق حاضر چون از روش رگرسیون لجستیک استفاده می شود ضریب تعیین کاکس - اسنل همان نقشی را ایفا می کند که R^2 در رگرسیون چند متغیره ایفا می نماید.

مقدار ضریب تعیین کاکس - اسنل نشان دهنده میزان وابستگی میان متغیر وابسته و مستقل می باشد. با توجه به جدول شماره 4 میزان این شاخص برابر 0/008 است که تقریباً نزدیک به صفر است. یعنی همبستگی میان متغیر وابسته (تغییر حسابرس) با متغیرهای مستقل و تعدیل کننده (شاخص محافظه کاری، شاخص آلتمن، شاخص مدیریت سود و اندازه شرکت) بسیار ضعیف می باشد.

جدول 4- ضریب R^2 کاکس - اسنل

مرحله	-2 Log likelihood	R^2 کاکس - اسنل	R^2 ناگلرک
1	433/488 ^a	0/008	0/011

a. Estimation Terminated at Iteration Number 4 because Parameter Estimates Changed by Less than 0/001.

* منبع: یافته های پژوهشگر

نتایج حاصل از جدول آماره های توصیفی شماره 5 مبین این واقعیت است که درصد پیش بینی مدل در سطح 70% بوده است از آنجا که در روش رگرسیون لجستیک، درصد پیش بینی مدل باید بالای 50% باشد تا قابل قبول باشد، بنابراین می توان نتیجه گرفت که درصد پیش بینی مدل در تحقیق حاضر درست بوده است.

جدول 5- آماره های توصیفی و طبقه بندی

مشاهدات	پیش بینی شده		درصد صحیح
	تغییر حسابرس		
	تغییر نداشته	تغییر داشته	
تغییر نداشته	254	0	100
تغییر داشته	106	0	0/000
تغییر کلی			70/6

** ارزش مقطعی 0/5 است.

* منبع: یافته های پژوهشگر

8- آزمون ضرایب متغیرها

فرض ها در مورد آزمون ضرایب به صورت زیر نوشته می شود:

$$\begin{cases} H_0 : \beta_i = 0 \\ H_1 : \beta_i \neq 0 \end{cases} \quad i \neq 0,1,2,\dots,20$$

نتایج حاصل از آزمون ضرایب متغیرها نشان می دهد که مقادیر سطح معناداری (Sig) برای هر کدام از متغیرهای آلتمن ، اندازه شرکت، محافظه کاری و مدیریت سود به ترتیب برابر 0/504 ، 0/353 ، 0/778 و 0/210 می باشد، با توجه به این که مقادیر فوق بیشتر از 5% است، فرضیه H_0 رد نمی شود، به عبارتی مقدار ضرایب متغیرها صفر است که حاکی از عدم معناداری این متغیرها در سطح اطمینان 95 درصد است (جدول 6).

جدول 6- متغیرها در معادله

	B	S.E.	Wald	درجه آزادی	سطح معنی-دار	EXP(B)
X1	-0/077	0/115	0/447	1	0/504	0/926
مرحله 1	-0/088	0/095	0/861	1	0/353	0/915
X2	-0/347	1/231	0/079	1	0/778	0/707
X3	-1/902	1/516	1/574	1	0/210	0/149
X4	0/570	1/267	0/202	1	0/653	1/768
Constant						

Variable(s) Entered on Step 1: X1, X2, X3, X4.

* منبع: یافته های پژوهشگر

مقادیر X_1 و X_2 و X_3 و X_4 در جدول فوق همان متغیرهای وابسته یعنی به ترتیب شاخص محافظه کاری، شاخص آلتمن، شاخص مدیریت سود و اندازه شرکت است.

8-1- آماره های توصیفی تحقیق

مقادیر شاخص های پراکنندگی و مرکزی برای چهار متغیر در دو سطح از شرکت هایی که تغییر حسابرس داشته و یا شرکت هایی که تغییر حسابرس نداشته اند، محاسبه و در جدول شماره 7 آورده شده است . نزدیکی مقادیر میانگین و انحراف معیار متغیرها در دو سطح از شرکت ها (شرکت هایی که حسابرس خود را تغییر داده اند و شرکت هایی که حسابرس خود را تغییر نداده اند) مهم ترین عامل بی تاثیر بودن متغیرها در تغییر یا عدم تغییر حسابرس در شرکت هاست.

جدول 7- آماره های توصیفی

تغییر حسابرس		تعداد	میانگین	انحراف معیار	کشیدگی	چولگی
شاخص آلتمن	تغییر نداشته	271	1/90714	1/065692	1/288	1/668
	تغییر داشته	110	1/87451	1/003112	1/372	2/207
اندازه شرکت	تغییر نداشته	265	12/85252	1/359240	0/816	0/429
	تغییر داشته	117	12/77075	1/114527	0/646	0/677
شاخص		270	-0/03001	0/102320	-0/101	0/418

محافظة كاري	نداشته تغيير داشته	113	-0/02801	0/104063	-0/244	0/382
شاخص مديريت سود	تغيير نداشته تغيير داشته	271 115	0/10434 0/09587	0/084903 0/093897	1/197 1/516	1/300 1/657

* منبع: یافته های پژوهشگر

همچنین مقادیر چولگی و کشیدگی متغیرها انحراف زیادی از چولگی و کشیدگی توزیع نرمال نشان نمی دهد. بنابراین توزیع متغیرها نیز نرمال به نظر می رسد.

9- بحث و نتیجه گیری

در تحقیق حاضر تأثیر متغیرهای مستقلی چون شاخص محافظه کاری حسابداری، شاخص Z آلتمن، شاخص مدیریت سود و اندازه شرکت بر متغیر وابسته تغییرحسابرس از دو روش آماری متفاوت یعنی روش برابری میانگین و روش رگرسیون لجستیک مورد آزمون و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج هر دو روش آماری یکسان و مشابه هم بوده است. بنابراین با توجه به نتایج حاصله از تجزیه و تحلیل های آماری و همچنین آزمون فرضیه ها، نتایج بصورت جدول شماره 8 نشان داده می شود:

جدول 8- خلاصه نتایج آزمون فرضیه ها

ردیف	فرضیه های تحقیق	متغیرهای مستقل	نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها
1	میان تغییر حسابرس و شاخص محافظه کاری حسابداری رابطه معنی داری وجود دارد.	شاخص محافظه کاری	محافظه کاری در شرکت هایی که حسابرس خود را تغییر داده اند و آن هایی که حسابرس خود را تغییر نداده اند متفاوت نیست. بنابراین فرضیه رد می شود.
2	میان تغییر حسابرس و شاخص Z آلتمن رابطه معنی داری وجود دارد.	شاخص Z آلتمن	شاخص Z آلتمن در شرکت هایی که حسابرس خود را تغییر داده اند و آن هایی که حسابرس خود را تغییر نداده اند متفاوت نیست. بنابراین فرضیه رد می شود.
3	میان تغییر حسابرس و شاخص مدیریت سود رابطه معنی داری وجود دارد.	شاخص مدیریت سود	شاخص مدیریت سود در شرکت هایی که حسابرس خود را تغییر داده اند و آن هایی که حسابرس خود را تغییر نداده اند متفاوت نیست. بنابراین فرضیه رد می شود.
4	میان تغییر حسابرس و اندازه شرکت رابطه معنی داری وجود دارد.	اندازه شرکت	اندازه شرکت در شرکت هایی که حسابرس خود را تغییر داده اند و آن هایی که حسابرس خود را تغییر نداده اند متفاوت نیست. بنابراین فرضیه رد می شود.

* منبع: یافته های پژوهشگر

10- پیشنهادات تحقیق

با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها، به نظر می رسد تغییر حسابرس در ایران بیشتر تحت تأثیر عوامل غیر حسابداری از جمله عدم تفکیک محتوایی مالکیت از مدیریت وجود سهامداران عمده در ترکیب سهام شرکت ها (پایین بودن سهام شناور شرکت ها)، وجود سهامداران حقوقی و شبه دولتی در ترکیب سهام شرکت ها، تصمیم گیری شرکت های هلدینگ برای شرکت های گروه قرار دارد، تا تحت تأثیر عوامل کمی و متغیرهای حسابداری از این رو برای تحقیقات آتی پیشنهادات زیر ارائه می شود:

- 1- بررسی رابطه بین استقلال حسابرس و محافظه کاری حسابداری
- 2- بررسی رابطه بین تغییر حسابرس با نظام راهبری شرکت ها
- 3- بررسی تطبیقی استقلال حسابرس قبل و بعد از تشکیل جامعه حسابداران رسمی
- 4- بررسی اثر خصوصی سازی صنایع بر کیفیت گزارش حسابرسی

منابع

- امیر اصلانی، حامی، (1381)، نقش اقتصادی حسابرسی در بازارهای آزاد و بازارهای تحت نظارت، نشریه شماره 159، انتشارات سازمان حسابرسی : 23.
- ایمانزاده، پیمان، (1385)، « بررسی دلایل تغییر حسابرسان در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران »، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
- بنی‌مهد، بهمن، (1386)، « تبیین و ارائه الگو برای اندازه گیری محافظه کاری حسابداری »، مجله اقتصاد و مدیریت، انتشارات دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.
- پوربهبهانی، امین، (1387)، « بررسی رابطه حسابرس - صاحبکار با تأکید بر مدت تصدی حسابرسی و تغییر حسابرس در ایران »، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- رضا زاده، جواد و آزاد عبدالله، (1387)، « رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه کاری در گزارشگری مالی »، فصل نامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره 54: 80-63.
- زارعی مروج، کمال، (1384)، « شناسایی عوامل مؤثر بر تغییر حسابرس در ایران »، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس.
- فلاح موحد، مرتضی، (1387)، « مطالعه تغییر حسابرس و بازرس قانونی (مؤسسات عضو جامعه حسابداران رسمی ایران) »، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
- کردستانی و امیر بیگی، (1387)، « محافظه کاری در گزارشگری مالی : بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود و MTB به عنوان دو معیار ارزیابی محافظه کاری »، فصل نامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره 52: 89-106.
- محرمی، بهرام، (1378)، « اهمیت ویژگی های مؤسسات حسابرسی در فرآیند انتخاب حسابرس توسط شرکت ها و انگیزه های تغییر حسابرسان در میان شرکت های ایرانی »، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه تهران.
- Ahmed, A. S., Billings, B. K., Morton, R. M. and, (2002), M. Stanford-Harris, "The Role of

Accounting Conservatism in Mitigating Bondholder-Shareholder Conflicts Over Dividend Policy and in Reducing Debt Costs", *The Accounting Review*, 77(4), 867-890.

Altman, E., (1968). "Financial Ratios, Discriminant Analysis and The Prediction of Corporate Bankruptcy", Available at: www.stern.nyu.edu/nealtman.

Ball, R., S.P. Kothari and A. Robin., (2000). "The Effect of International Institutional Factors on Properties of Accounting Earnings. *Journal of Accounting and Economics* 29 (1): 1-51.

Basu, S., (1997). "The Conservatism Principle and The Asymmetric Timeliness of Earnings", *Journal of Accounting and Economics* 24 (1): 3-37.

Beaver, W.H., (1993). "Conservatism". Working Paper, Stanford University.

Feltham, G. and Ohlson, J. A., (1995), "Valuation and Clean Surplus Accounting for Operating and Financial Activities", *Contemporary Accounting Research*, 11(2), 689-731.

Givoly, D. and C. Hayn, (2000), "The Changing Time-series Properties of Earnings, Cash Flows and Accruals: Has Financial Reporting Become More Conservative?", *Journal of Accounting and Economics*, 29(3), 287-320.

Geiger, and Raghunandan., (2002). "Pricing The Audit Services", *Auditing A Journal of Practice & Theory*, March, 70-78.

Givoly, D., C. K. Hayn, and A. Natarajan., (2007). "Measuring Reporting Conservatism.", *The Accounting Review* 82 (1): 65-106.

Hasking, M. E. and Williams. D. D., (1990). "A Contingent Model of Intra-Big 8 Auditor Changes. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 9 (Fall): 55-74.

Jenkins, D. and U. Velury, (2006), "Does Auditor Tenure Impact The Reporting of Conservative Earnings?" Working Paper, University of Delaware.

Johnson, W.B and T.Lys., (1990), "The Market for Audit Services: Evidence from Voluntary Auditor Changes." *Journal of Accounting and Economics*, 12 (January), 281-308.

Jones J.J., (1991). "Earnings Management During Import Relief Investigations", *Journal of Accounting Research*, 29, 193-228.

Krishnan, J., (1994). "Auditor Switching and Conservatism". *The Accounting Review*, 69 (January): 200-215.

LaFond, W., and R. L. Watts., (2008), "The Information Role of Conservatism", *The Accounting Review*, Vol. 83 Issue 2, 447-478.

Li Dan, (2007), "Auditor Tenure and Accounting Conservatism", Ph.D. Dissertation, Georgia Institute of Technology.

Maggina, A.G., (2008), "Business Consultant, Auditors Switching: An Empirical Investigation", *Global Journal Of Business Research*, Volume 2. Number 1.

Nikolaev, V., (2008), "Debt Covenants and Accounting Conservatism: Complements or Substitutes?", Available at: www.ssrn.com.

Palmrose, Z., (1984), "The demand for Quality Differentiated Audit Services in an Agency Cost Setting: an Empirical Investigation.", *Auditing Research Symposium (University of Illinois)*, 229-252.

Ryan, S., (2006). "Identifying Conditional Conservatism." *European Accounting Review*, 15 (4): 511-525.

Schwartz, K. B. and Menon, K., (1985), "Auditor Switches by Failing Firms." *Accounting Review*, 60 (April).

Watts, R.L., (2003), "Conservatism in Accounting, Part I: Explanations and Implications", *Accounting Horizons*, 17(3), 207-221.

Watts, R.L., Zimmerman, J.L., (1990). "Positive Accounting Theory: A Ten Year Perspective." *The Accounting Review*, 65(1): 131-156.

Woo, E. and Chye Koh, H., (2001), " Factors Associated ith Auditor Changes: a Singapore Study." Accounting and Business Research. Vol. 31. No. 2., 133-144.



پروپوزیشن کا علم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی